

The Dynamic Relationship between Tax Policy Uncertainty and Economic Growth

Seyyede Zahra Asghari Hoseinabadi¹ | Saleh Taheri Bazkhaneh² |
Narjes Zamani³

¹. M.A. Student in Economics, Faculty of Management and Economic, University of Guilan, Rasht, Iran, Email: seyedzahraasghari@gmail.com

². Assistant Professor of Economics, Faculty of Management and Economic, University of Guilan, Rasht, Iran, (Corresponding Author), Email: saleh.taheri@guilan.ac.ir

³. Assistant Professor of Economics, Faculty of Management and Economic, University of Guilan, Rasht, Iran, Email: n.zamani@guilan.ac.ir

Article Info.	ABSTRACT
Article type: Research Article	Tax policy, as a government tool for resource allocation, income distribution, and maintaining macroeconomic stability, plays an important role in economic growth; however, uncertainty in tax policies can harm economic activities. This study employs continuous wavelet coherence analysis to examine the dynamic and time-frequency dependent relationship between economic growth and two measures of tax policy uncertainty (uncertainty in tax growth and uncertainty in the tax-to-GDP ratio) in Iran's economy during the period 1991–2022. The findings reveal three empirical regularities: first, in the short term, tax uncertainty can both exacerbate recessions and increase during economic booms through unexpected reforms; second, in the medium term, government efforts to raise tax revenues during recessions intensify uncertainty; and third, in the long term, the process of tax reforms itself becomes a source of structural uncertainty. This research highlights the necessity of prioritizing the predictability of tax policy and developing a clear, long-term roadmap for tax reforms to reduce uncertainty, create a more stable environment for investment and sustainable growth, and facilitate the transition toward a stable tax-based government.
Article history: Received: 18-08-2025 Received in revised: 07-11-2025 Accepted: 25-11-2025 Published Online: 26-11-2025	
Keywords: Economic Growth, Fiscal Policy Uncertainty, Tax Policy, Time-Frequency Analysis.	
JEL: E62, O47, C22, H30.	
Cite this article: Asghari Hoseinabadi, S. Z., Taheri Bazkhaneh, S., & Zamani, N., (2025). The Dynamic Relationship between Tax Policy Uncertainty and Economic Growth. <i>Journal of Economics and Modelling</i> , 16(1), 1-36. DOI: 10.48308/jem.2025.241162.2003	
 © The Author(s). Publisher: Shahid Beheshti University Press	

ارتباط پویا میان نااطمینانی سیاست مالیاتی و رشد اقتصادی

سیده زهرا اصغری حسین آبادی^۱ | صالح طاهری بازخانه^{۲*} | نرجس زمانی^۳ 

^۱. کارشناس ارشد گروه اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه گیلان، رشت، ایران، رایانامه:

seyedzahraasghari@gmail.com

^۲. استادیار گروه اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه گیلان، رشت، ایران، رایانامه: saleh.taheri@guilan.ac.ir

^۳. استادیار گروه اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه گیلان، رشت، ایران، رایانامه: n.zamani@guilan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	سیاست مالیاتی به عنوان یکی از ابزارهای دولت برای تخصیص منابع، توزیع درآمد و حفظ ثبات اقتصاد کلان، نقش مهمی در رشد اقتصادی دارد؛ با این حال، نااطمینانی در سیاست های مالیاتی می تواند به فعالیت های اقتصادی آسیب برساند. این مطالعه با استفاده از تحلیل هم دوسی موجک پیوسته، رابطه پویا و وابسته به زمان و فرکانس بین رشد اقتصادی و دو ابزار نااطمینانی سیاست مالیاتی (نااطمینانی در رشد مالیات و نااطمینانی در نسبت مالیات به تولید) را در اقتصاد ایران در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۳۷۰ بررسی می کند. یافته ها سه قاعده مندی تجربی را نشان می دهد. اول، در کوتاه مدت نااطمینانی مالیاتی می تواند هم رکود را تشدید کند و هم در دوره های رونق از طریق اصلاحات غیرمنتظره افزایش یابد. دوم، در میان مدت تلاش های دولت برای افزایش درآمد مالیاتی در شرایط رکود، نااطمینانی را تشدید می کند. سوم، در بلندمدت فرآیند اصلاحات مالیاتی خود منبری برای نااطمینانی ساختاری است. یافته ها نشان می دهد فرآیند معیوب و پیش بینی ناپذیر اصلاحات، خود به منبع نااطمینانی تبدیل شده است. بنابراین، این پژوهش بر ضرورت تمرکز بر یک نقشه راه شفاف و باثبات برای اصلاحات مالیاتی تأکید دارد تا از طریق مدیریت نااطمینانی کوتاه مدت، محیطی باثبات تر برای سرمایه گذاری فراهم شده و مسیر گذار به یک ساختار مالیاتی باثبات به عنوان عامل ثبات بخش نهایی اقتصاد، هموار گردد.
واژه های کلیدی: رشد اقتصادی، نااطمینانی سیاست مالی، سیاست مالیاتی، تحلیل زمان- فرکانس.	
طبقه بندی JEL: O47, H30, E62, C22	

استناد: اصغری حسین آبادی، سیده زهرا؛ طاهری بازخانه، صالح؛ و زمانی، نرجس (۱۴۰۴). ارتباط پویا میان نااطمینانی سیاست مالیاتی و رشد اقتصادی. *اقتصاد و الگوسازی*، ۱۶(۱)، ۳۶-۱. DOI: 10.48308/jem.2025.241162.2003



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه شهید بهشتی.

^۱. مقاله حاضر بخشی از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در دانشگاه گیلان است.

۱. مقدمه

سیاست مالیاتی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای دولت در زمینه اثرگذاری بر تخصیص منابع، توزیع درآمد و ثبات اقتصاد کلان، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران بوده است (تاکوما^۱، ۲۰۱۵). ادبیات کلاسیک، عمدتاً بر اثرات سطح و ساختار مالیات‌ها بر رشد اقتصادی تمرکز کرده است (برای مثال، مندوزا و همکاران^۲، ۱۹۹۰). با این حال، درک نوین از پویایی‌های اقتصاد کلان نشان می‌دهد که ناطمینانی در مورد مسیر آتی سیاست‌های مالیاتی، یک عامل بازدارنده برای فعالیت‌های اقتصادی است (آفونوس و فورسری^۳، ۲۰۱۰). ناطمینانی مالیاتی که شامل عدم قطعیت نرخ‌های آتی، تغییرات پیش‌بینی‌نشده در پایه‌های مالیاتی و بی‌ثباتی در قوانین اجرایی آن است، می‌تواند با افزایش ریسک و کاهش بازدهی مورد انتظار، تصمیمات بلندمدت خانوارها و بنگاه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (کیم و همکاران^۴، ۱۹۹۵).

بررسی ادبیات موضوع، نشان‌دهنده عدم وجود یک اجماع نظری و تجربی پیرامون جهت و مکانیسم‌های این رابطه است. از یک سو، بخش قابل توجهی از ادبیات بر اثرات انقباضی ناطمینانی تمرکز دارد (پورتر^۵، ۲۰۰۷). این اثرات از کانال‌های متعددی نشأت می‌گیرند، از جمله کانال بازدهی پس از مالیات سرمایه و تعویق سرمایه‌گذاری که بر اساس نظریه گزینه‌های واقعی (دیکزیت و پیندیک^۶، ۱۹۹۴) انباشت سرمایه را سرکوب می‌کند (هاست و متکالف^۷، ۱۹۹۹)، و کانال عرضه نیروی کار و پس‌انداز خانوار که به تصمیمات بین‌دوره‌ای خانوارها آسیب می‌رساند. از سوی دیگر، یک جریان نظری رقیب که در ادبیات اقتصاد سیاسی ریشه دارد، تصویری پیچیده‌تر ارائه می‌دهد. در این دیدگاه، به

^۱. Takumah

^۲. Mendoza et al.

^۳. Afonso and Furceri

^۴. Kim et al.

^۵. Porter

^۶. Dixit and Pindyck

^۷. Hassett and Metcalf

ویژه در اقتصادهای در حال توسعه، رونق اقتصادی می‌تواند از طریق حاکمیت سیاست‌های مالیاتی موافق چرخه‌ای، به افزایش نااطمینانی در مورد وضعیت آتی درآمدهای دولت منجر شود (تالوی و وق^۱، ۲۰۰۵).

این موضوع در اقتصاد ایران، به دلیل ویژگی‌های ساختاری منحصربه‌فرد آن، اهمیت بیش‌تری دارد؛ اقتصادی که در حال گذار از وابستگی به نفت به درآمدهای داخلی است و در آن، سیاست مالیاتی نقشی مهم در پایداری مالی دولت و ایجاد یک محیط باثبات برای بخش خصوصی ایفا می‌کند. پژوهش در این زمینه می‌تواند دلالت‌های مهمی را آشکار سازد. نااطمینانی سیاست مالیاتی مفهومی یکپارچه نیست؛ نااطمینانی در آهنگ رشد مالیات‌ها لزوماً همانند نااطمینانی در نسبت مالیات به تولید عمل نمی‌کند. مورد اول به رفتار و اقدامات دولت در جهت افزایش درآمد اشاره دارد، در حالی که مورد دوم جایگاه و بار مالیاتی کل اقتصاد را می‌سنجد. اغلب مطالعات پیشین این تفکیک مفهومی را نادیده گرفته و یا از روش‌هایی ایستا استفاده کرده‌اند که قادر به شناسایی روابط متغیر در طول زمان نیستند.

با توجه به آنچه که ذکر، پژوهش حاضر مشارکت علمی خود را این گونه تعریف می‌کند: در سطح مفهومی، این مطالعه، نااطمینانی سیاست مالیاتی را به دو ابزار متفاوت نااطمینانی در رشد مالیات و نااطمینانی در نسبت مالیات به تولید تفکیک کرده است و حساسیت نتایج را به انتخاب این دو ابزار می‌آزماید. در سطح روش‌شناختی، با به‌کارگیری تحلیل هم‌دوسی موجد پیوسته، این پژوهش از محدودیت‌های الگوهای خطی فراتر رفته و به بررسی پویایی‌های این رابطه در فضای زمان فرکانس می‌پردازد. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، واکاوی رابطه پویا، وابسته به زمان و فرکانس میان رشد اقتصادی و ابعاد مختلف نااطمینانی سیاست مالیاتی در اقتصاد ایران است. به طور مشخص، این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است: رابطه علیت و همبستگی

^۱. Talvi and Végh

میان رشد اقتصادی و هر یک از دو ابزار نااطمینانی سیاست مالیاتی در ایران چگونه است؟ آیا این رابطه در افق‌های زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و در شرایط اقتصادی متفاوت نامتقارن است؟ یافته‌های تجربی، کدام یک از کانال‌های نظری اثرگذاری را برای اقتصاد ایران برجسته‌تر می‌سازند؟

در ادامه این مقاله، بخش دوم به مرور مبانی نظری و مطالعات تجربی می‌پردازد. بخش سوم روش‌شناسی را تشریح می‌کند. در بخش چهارم، یافته‌های تجربی حاصل از تحلیل موجک ارائه و تحلیل می‌شوند و در نهایت، بخش پنجم به جمع‌بندی و ارائه دلالت‌های سیاستی اختصاص دارد.

۲. ادبیات موضوع

در بخش حاضر، ابتدا مبانی نظری اثرگذاری نااطمینانی سیاست مالیاتی و رشد اقتصادی بررسی می‌شود. سپس، اهم مطالعات تجربی داخلی و خارجی مرور می‌شود.

۲-۱. مبانی نظری

رابطه میان نااطمینانی سیاست مالیاتی و رشد اقتصادی، رابطه پویا و دوطرفه است که در کانون مباحث اقتصاد کلان مدرن و اقتصاد سیاسی قرار دارد. برای درک این پیچیدگی، می‌توان یک چارچوب مفهومی یکپارچه را ترسیم کرد که بر دو مورد استوار است. اول، اثرات بازدارنده نااطمینانی بر تصمیمات کارگزاران اقتصادی (بنگاه‌ها و خانوارها) که عمدتاً از طریق کانال‌های خرد عمل می‌کند، و دوم، واکنش درون‌زای سیاست‌گذار مالیاتی به چرخه‌های تجاری و شوک‌های ساختاری که ریشه در محدودیت‌های اقتصاد سیاسی دارد. در اقتصادهای در حال توسعه و به‌ویژه اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی مانند ایران، این رابطه به دلیل ویژگی‌های ساختاری منحصر به فرد، از جمله نوسانات درآمدهای نفتی و تلاش برای گذار به یک دولت مالیاتی، پیچیدگی‌های بیش‌تری می‌یابد.

این بخش به جای آزمون یک الگوی رشد اقتصادی ساختاری و واحد، رویکردی مبتنی بر کانال‌های اثرگذار دارد. ادبیات نظری مدرن نشان می‌دهد که نااطمینانی سیاست مالیاتی از طریق مکانیسم‌های متعددی بر تصمیمات اقتصادی خانوارها و بنگاه‌ها و در نتیجه بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. مهم‌ترین این کانال‌ها عبارتند از: (۱) کانال سرمایه‌گذاری از طریق نظریه گزینه‌های واقعی که منجر به تعویق سرمایه‌گذاری می‌شود، (۲) کانال تصمیمات بین‌دوره‌ای خانوار که پس‌انداز و عرضه نیروی کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و (۳) کانال اقتصاد غیررسمی که بر کارایی تخصیص منابع اثرگذار است. همچنین، این رابطه می‌تواند ماهیتی دوطرفه داشته باشد؛ به طوری که شرایط اقتصاد کلان نیز بر اساس دیدگاه‌های اقتصاد سیاسی، می‌تواند منبعی برای ایجاد نااطمینانی در سیاست‌های مالی باشد. هدف این پژوهش، استفاده از تحلیل‌های تجربی پیشرفته برای شناسایی این است که کدام یک از این کانال‌های نظری در دوره‌های زمانی و فرکانسی مختلف، تبیین‌کننده بهتری برای رابطه پویا میان نااطمینانی مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران بوده‌اند. در ادامه هر یک از این کانال‌ها به تفکیک بررسی می‌شوند.

۲-۱. کانال‌های اثرگذاری نااطمینانی سیاست مالیاتی بر رشد اقتصادی

یکی از کانال‌های مهم اثرگذاری در این زمینه، کانال بازدهی پس از مالیات سرمایه و تعویق سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها یک تصمیم بلندمدت است که به بازدهی مورد انتظار، پس از کسر مالیات بستگی دارد. نااطمینانی در نرخ‌های مالیات بر درآمد شرکت‌ها و یا مالیات بر عایدی سرمایه در آینده، منجر به نااطمینانی در سودآوری آتی پروژه‌های سرمایه‌گذاری می‌شود. بر اساس نظریه گزینه‌های واقعی (دیکزیت و پیندیک، ۱۹۹۴)، این عدم قطعیت موجب می‌شود بنگاه‌ها سرمایه‌گذاری را به تعویق بیندازند تا سیاست‌های مالیاتی مشخص شود. این تعویق، انباشت سرمایه

فیزیکی را کاهش داده و به رشد اقتصادی آسیب می‌رساند. هاست و متکاف (۱۹۹۹)، بیان کردند نااطمینانی در مورد اعتبارات مالیاتی سرمایه‌گذاری، می‌تواند اثر بازدارندگی بیش‌تری از سطح مالیات‌ها داشته باشد.

کانال عرضه نیروی کار و پس‌انداز خانوار، یکی دیگر از کانال‌های اثرگذاری در این زمینه است. نااطمینانی در مورد نرخ‌های مالیات بر درآمد آینده، تصمیمات بین دوره‌ای خانوارها را با مشکل مواجه می‌کند. عدم قطعیت در مورد بازدهی پس از مالیات پس‌انداز، موجب می‌شود خانوارها پس‌انداز خود را کاهش داده و به جای آن مصرف خود را افزایش دهند. این موضوع انباشت سرمایه را از سمت منابع نیز محدود می‌کند (اسکینر^۱، ۱۹۸۸). همچنین، نااطمینانی در نرخ‌های مالیات بر درآمد نیروی کار، می‌تواند عرضه نیروی کار را کاهش داده و به دنبال آن انگیزه برای سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی (آموزش و کسب مهارت) را نیز کاهش دهد، زیرا بازدهی این سرمایه‌گذاری‌ها در آینده نامشخص است (ایتون و روزن^۲، ۱۹۸۰).

یکی دیگر از کانال‌های اثرگذار در این زمینه، کانال اقتصاد غیررسمی و فرار مالیاتی است. نااطمینانی و پیچیدگی قوانین مالیاتی، هزینه‌های تمکین را برای بنگاه‌ها افزایش می‌دهد. این موضوع برای بنگاه‌های کوچک و متوسط اهمیت بیش‌تری دارد. افزایش این هزینه‌ها و عدم اطمینان از محیط مالیاتی، انگیزه برای فعالیت در بخش غیررسمی و فرار مالیاتی را بیش‌تر می‌کند (سابتونو و همکاران^۳، ۲۰۲۴). همان‌طور که در ادبیات اقتصاد بخش عمومی بیان شده است (اسلمرود و یتزاکي^۴، ۲۰۰۲)، گسترش اقتصاد غیررسمی به معنای تخصیص ناکارآمد منابع، کاهش بهره‌وری و تضعیف پایه‌های رشد بلندمدت است. با توجه به پیچیدگی و تغییرات مکرر در قوانین مالیاتی ایران، این کانال

¹. Skinner

². Eaton and Rosen

³. Saptano et al.

⁴. Slemrod and Yitzhaki

اهمیت ویژه‌ای دارد. نااطمینانی در این حوزه، یکی از عوامل مهم سوق‌دهنده فعالیت‌های اقتصادی به سمت بخش غیررسمی و کاهش شفافیت است.

۲-۱-۲. کانال‌های اثرگذاری رشد اقتصادی بر نااطمینانی سیاست مالیاتی

در ادامه کانال‌های اثرگذاری مثبت و منفی رشد اقتصادی بر نااطمینانی سیاست مالیاتی بررسی می‌شود.

۲-۱-۲-۱. کانال ثبات‌زا (اثر منفی)

در دوره‌های رشد اقتصادی، پایه‌های مالیاتی (مانند درآمد شرکت‌ها و مصرف خانوارها) گسترش می‌یابد. این موضوع منجر به افزایش باثبات و قابل پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود. این جریان درآمدی پایدار، نیاز دولت به تغییرات ناگهانی و شوک‌آور در نرخ‌ها یا قوانین مالیاتی را کاهش می‌دهد و در نتیجه باعث کاهش نااطمینانی در سیاست مالیاتی می‌شود (کورنوین و همکاران، ۲۰۲۴).^۱

۲-۱-۲-۲. کانال بی‌ثبات‌کننده (اثر مثبت)

برخلاف آنچه که در کانال قبلی ذکر شد، در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، دولت‌ها تمایل دارند در دوره‌های رونق اقتصادی، سیاست‌های مالیاتی انبساطی (کاهش نرخ‌های مالیاتی یا اعطای معافیت‌های گسترده) را به دلایل سیاسی اتخاذ کنند. در مقابل، در دوران رکود و مواجهه با کسری بودجه، مجبور به افزایش ناگهانی و پیش‌بینی‌نشده مالیات‌ها می‌شوند. این الگوی موافق چرخه‌ای، که توسط تالوی و وق (۲۰۰۵) تشریح شده است، منبع اصلی نوسان و نااطمینانی در سیاست مالیاتی است و چرخه‌های تجاری را تشدید می‌کند.

^۱. Cornevin et al.

۳-۲-۱. تفکیک مفهومی نااطمینانی: توجیه نظری برای انتخاب دو شاخص

برای سنجش ماهیت چندوجهی نااطمینانی، این پژوهش میان دو بُعد متفاوت آن تمایز قائل می‌شود. این تفکیک مفهومی، مبنای نظری انتخاب دو ابزار متفاوت در بخش تجربی است:

نااطمینانی در رشد مالیات: این شاخص عمدتاً فعال‌گرایی و اقدامات گسسته دولت را می‌سنجد. نوسانات شدید در آهنگ رشد درآمدهای مالیاتی، نشان‌دهنده تلاش‌های ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی دولت برای افزایش درآمدها، تغییر قوانین یا معرفی پایه‌های مالیاتی جدید است. این معیار، جنبه شوک سیاستی نااطمینانی را نشان می‌دهد و ارتباط تنگاتنگی با کانال اقتصاد سیاسی و رفتار موافق چرخه دارد.

نااطمینانی در نسبت مالیات به تولید: این شاخص، پایداری ساختاری نظام مالیاتی را می‌سنجد. این نسبت نشان می‌دهد که سهم مالیات از کل کیک اقتصاد چقدر باثبات است. نوسانات بالا در این نسبت، حتی در غیاب اقدامات گسسته دولت، می‌تواند ناشی از ضعف ساختاری باشد؛ برای مثال، وابستگی نظام مالیاتی به بخش‌های پرنوسان اقتصاد یا عدم وجود پایدارکننده‌های خودکار قوی. این معیار، شکنندگی و آسیب‌پذیری ساختار درآمدی دولت را نشان می‌دهد.

این تفکیک به ما اجازه می‌دهد تا بررسی کنیم که آیا رشد اقتصادی بیش‌تر تحت تأثیر شوک‌های سیاستی فعالانه دولت قرار دارد یا بی‌ثباتی ساختاری نظام مالیاتی.

۲-۲. مطالعات کاربردی

در این بخش، اهم مطالعات تجربی داخلی و خارجی که به بررسی اثر سیاست‌های مالیاتی بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند، مرور می‌شود. این موضوع به دلیل نقش تعیین‌کننده سیاست‌های مالیاتی در تخصیص منابع، توزیع درآمد و اثرگذاری بر انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری اهمیت دارد. مطالعات انجام‌شده با بهره‌گیری از داده‌ها،

روش‌ها و الگوهای مختلف، نتایج متنوعی ارائه کرده‌اند که بررسی آن‌ها، مبنای لازم برای پژوهش حاضر است.

۲-۱. مطالعات خارجی

کورنوین و همکاران^۱ (۲۰۲۳)، رابطه میان درآمدهای مالیاتی و رشد اقتصادی در ۱۷۲ کشور را با روش‌های داده‌های تابلویی برای بازه زمانی ۱۹۹۰-۲۰۲۰ بررسی کردند. نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه تعادلی بلندمدت است که در آن، کشش درآمدی مالیات در اکثر کشورها بزرگ‌تر از یک است؛ به این معنا که به ازای هر یک درصد رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی بیش از یک درصد افزایش می‌یابد. علاوه بر این، یافته‌ها رابطه علی یک‌طرفه از رشد اقتصادی به درآمدهای مالیاتی در بلندمدت را نشان می‌دهد که این اثر در کشورهای با درآمد بالاتر و نهادهای قوی‌تر، بیش‌تر دیده می‌شود.

اوشمی و اوتاسانیا^۲ (۲۰۲۲)، تأثیر نوسان درآمد مالیاتی بر رشد اقتصادی نیجریه در بازه زمانی ۱۹۸۱ تا ۲۰۲۰ را بررسی کردند. نتایج حاصل از به‌کارگیری الگوی تصحیح خطای برداری^۳ نشان داد، نوسان درآمد مالیاتی در کوتاه‌مدت رابطه مثبت و معنادار با رشد اقتصادی نیجریه دارد؛ اما در بلندمدت این رابطه معنادار نیست.

گاردال و همکاران^۴ (۲۰۱۹)، رابطه بین درآمدهای مالیاتی، مخارج دولت و رشد اقتصادی در کشورهای گروه هفت (کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا و ایالات متحده) را با استفاده از داده‌های سالانه بازه زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۶ بررسی کردند. نتایج آزمون علیت در حوزه فرکانس نشان داد، رابطه دوطرفه کوتاه‌مدت و بلندمدت بین رشد اقتصادی و درآمدهای مالیاتی وجود دارد.

^۱. Cornevin et al.

^۲. Oshemi and Otusanya

^۳. VECM

^۴. Gurdal et al.

امین و همکاران^۱ (۲۰۱۸) اثر مالیات بر درآمد بر رشد اقتصادی در پاکستان و چین را با متغیرهای کنترل برای دوره ۱۹۸۶-۲۰۱۵ بررسی کردند. نتایج حاصل از به کارگیری الگوی خودرگرسیون با وقفه توزیعی^۲ رابطه مثبت بین مالیات بر درآمد شخصی و رشد اقتصادی را در بلندمدت برای هر دو کشور نشان داد.

باباتونده و همکاران^۳ (۲۰۱۷)، در مطالعه‌ای به بررسی اثر مالیات بر رشد اقتصادی در کشورهای آفریقایی طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ پرداختند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون داده‌های تابلویی^۴ با تأکید بر بررسی رابطه بین درآمد مالیاتی و رشد اقتصادی، نشان داد درآمدهای مالیاتی اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند.

آفونوس و فورسری (۲۰۱۰)، رابطه اندازه، ترکیب، نوسان و رشد اقتصادی دولت در کشورهای عضو اتحادیه اروپا در سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۷۰ را به استفاده از الگوی داده‌های تابلویی بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد، مقدار و نوسان مالیات‌های غیرمستقیم اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

۲-۲-۲. مطالعات داخلی

بابکی و عفتی (۱۴۰۱)، اثر ساختار مالیاتی بر رشد اقتصادی ایران را در بازه زمانی ۱۳۵۵-۱۳۹۹ با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی بررسی کردند. نتایج نشان داد، اثر بار مالیاتی بر رشد اقتصادی منفی و معنادار است. نتایج حاصل از برآورد انواع مالیات‌ها نشان داد، اثر مالیات بر اشخاص حقوقی، مالیات بر مصرف و فروش کالا، مالیات بر واردات کالاها و خدمات و مالیات بر ثروت اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی دارد؛ در حالی که اثر مالیات بر درآمد بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار است. چهرقانی و انصاری (۱۴۰۰)، اثر مالیات بر حقوق بر رشد اقتصادی ایران را در بازه

^۱. Amin et al.

^۲. ARDL

^۳. Babatunde et al.

^۴. Panel Data Regression

زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۹ بررسی کردند. نتایج حاصل از روش تعادل عمومی قابل محاسبه^۱، نشان داد، افزایش نرخ مالیات بر حقوق اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد.

صامتی و همکاران (۱۳۹۸)، رابطه پویای ساختار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران را با تأکید بر نااطمینانی بررسی کردند. بدین منظور از الگوی واریانس ناهمسانی شرطی خودتوضیحی تعمیم یافته^۲ و رویکرد خودتوضیحی با وقفه توزیعی^۳ برای بازه زمانی ۱۳۵۷-۱۳۹۶ استفاده کردند. نتایج نشان داد نااطمینانی مالیاتی در ایران می تواند اثر مثبت و منفی بر رشد اقتصادی بگذارد. متغیرهای نااطمینانی مالیات کالاها و خدمات، نااطمینانی مالیات واردات و نااطمینانی مالیات ثروت اثر منفی و متغیرهای نااطمینانی مالیات اشخاص حقوقی و مالیات درآمد اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد.

علوی باجگانی و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی آثار سیاست مالی و کسری بودجه در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۶۷ با رویکرد رگرسیون چندکی پرداختند. نتایج نشان داد مالیات، سرمایه گذاری و تجارت خارجی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته است.

فرامرزی و همکاران (۱۳۹۴)، رابطه مالیات و رشد اقتصادی، مطالعه موردی ایران و کشورهای عضو اوپک^۴ و سازمان همکاری های اقتصادی^۵ را با استفاده از روش خودرگرسیون باوقفه برداری^۶ بررسی کردند. نتایج این مقاله برای ایران در بازه زمانی ۱۳۴۲-۱۳۸۹ نشان می دهد هیچ رابطه تعادلی بلندمدت بین مالیات و رشد اقتصادی برای ایران وجود نداشته است. همچنین در ۲۶ کشور عضو سازمان همکاری های اقتصادی طی دوره ۲۰۱۱-۱۹۹۸ یک رابطه تعادلی بلندمدت و یک رابطه علی بین مالیات و رشد اقتصادی وجود داشته و مالیات در این کشورها اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است.

۱. CGE

۲. GARCH

۳. ARDL

۴. OPEC

۵. OECD

۶. VAR

خلیلی و همکاران (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای به بررسی اثر نااطمینانی حاصل از سیاست‌های اقتصادی دولت با تکیه بر درآمد مالیاتی بر رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۴۰-۱۳۸۶ پرداختند. نتایج حاصل از به‌کارگیری روش خودرگرسیون ناهمسان شرطی^۱ و خودرگرسیون تعمیم‌یافته نشان داد که افزایش نااطمینانی نسبت به درآمدهای مالیاتی باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

انتخاب تحلیل موجک به عنوان روش این پژوهش، به دلیل مزایای آن در مقایسه با روش‌های اقتصادسنجی سنتی برای تحلیل سری‌های زمانی پیچیده و نایستا است. برخلاف الگوهای خطی و ایستا، تحلیل موجک قادر است رابطه میان متغیرها را به طور همزمان در دو بعد زمان و فرکانس بررسی کند و به این ترتیب، امکان شناسایی روابطی را فراهم می‌آورد که در افق‌های زمانی مختلف (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) و در دوره‌های تاریخی متفاوت، تغییر می‌کنند. مزیت دیگر این روش، قابلیت آن در تحلیل روابط پیشرو-پسرو از طریق اختلاف فاز است که به شناسایی جهت علیت پویا و تفکیک روابط علی دوطرفه کمک می‌کند. این ویژگی‌ها، تحلیل موجک را به ابزاری قدرتمند برای کشف پویایی‌های پیچیده و پنهان میان نااطمینانی سیاست مالیاتی و رشد اقتصادی تبدیل می‌کند. (آسافو ادجی^۲، ۲۰۲۰؛ طاهری، ۱۴۰۱). همچنین، تحلیل موجک توانایی پردازش داده‌های غیرایستا را دارد و می‌تواند به‌طور همزمان اطلاعاتی را در هر دو حوزه زمان و فرکانس ارائه دهد (جیت و واتس^۳، ۲۰۱۷).

تبدیل موجک پیوسته^۴ به عنوان ابزاری کاربردی برای استخراج اطلاعات از سری‌های زمانی و شناسایی الگوهای تکرارشونده در داده‌ها شناخته می‌شود. تبدیل موجک

^۱. ARCH

^۲. Asafo-Adjei

^۳. Jeet and Vats

^۴. Continuous Wavelet Transform

پیوسته تعداد زیادی ضریب موجک تولید می‌کند که به‌صورت تابعی از دو عامل مقیاس و مکان نمایش داده می‌شوند. یک موجک مشخص ψ از طریق انگاشت بر روی سری زمانی مورد بررسی $x(t)$ به‌دست می‌آید:

$$C(\text{scale}, \text{position}) = \int_{-\infty}^{\infty} x(t) \psi(\text{scale}, \text{position}, t) dt \quad (۱)$$

هر مقدار متناسب با ناحیه‌ای از سری زمانی $x(t)$ می‌تواند به‌عنوان مقیاس و مکان در نظر گرفته شود. با ضرب هر ضریب در موجک مربوطه که به‌طور مناسب مقیاس‌بندی (کشیده) و انتقال داده شده، می‌توان موجک‌های سازنده سیگنال اصلی را بازسازی کرد. موجک‌ها انواع مختلفی دارند که هرکدام ویژگی‌های خاصی برای کاربردهای متفاوت دارند. در تحلیل‌هایی که اطلاعات مربوط به دامنه و فاز اهمیت دارند، انتخاب نوع موجک اهمیت دارد. در این مطالعه از موجک مارلت^۱ را استفاده می‌شود، که به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\psi_{\eta}(t) = \pi^{-\frac{1}{4}} e^{i w_0 t} - e^{-\frac{\eta^2}{2}} \quad (۲)$$

در این‌جا، w فرکانس زاویه‌ای (نرخ چرخش در واحد زمان) است که طبق منابع موجود، مقدار آن معمولاً برابر با ۶ در نظر گرفته می‌شود. نرم‌مال‌سازی برابر با $1/4$ - است و پارامتر زمان بدون بعد با نماد $\eta = t/\lambda$ نمایش داده می‌شود، که در آن t پارامتر زمان و λ مقیاس موجک است. فرایند مقیاس‌بندی و انتقال موجک در معادله xxx تشریح شده است (گنچای و همکاران^۲، ۲۰۰۱؛ کیم و این^۳، ۲۰۱۳؛ لوه^۴، ۲۰۱۳).

تحلیل موجک ضربدری^۵ و همبستگی موجک^۶ به‌عنوان تکنیک‌هایی مناسب برای بررسی ارتباطات احتمالی میان دو سری زمانی در نظر گرفته می‌شوند. تبدیل موجک

^۱. Morlet

^۲. Gençay et al.

^۳. Kim and In

^۴. Loh

^۵. Cross Wavelet Analysis

^۶. Wavelet Coherence

پیوسته را می‌توان به گونه‌ای گسترش داد که دو سری زمانی را شامل شود و تبدیل موجک ضربدری ایجاد کند. این تبدیل نواحی با تأثیر مشترک بالا را شناسایی کرده و جزئیات بیشتری درباره ارتباط فازی بین آن‌ها ارائه می‌دهد (گرینستد و همکاران^۱، ۲۰۰۴).

وقتی هر دو تبدیل موجک با استفاده از یک موجک مادر یکسان انجام شوند، تبدیل موجک ضربدری میزان اشتراک بین دو تبدیل موجک اولیه یا سیگنال‌ها را نشان می‌دهد. برای استنتاج وجود یک سیگنال مشترک یا شناسایی منبع آن، می‌توان از قدر مطلق تبدیل موجک ضربدری استفاده کرد. این شباهت ممکن است به دلایل گوناگون رخ دهد و هر کاربرد می‌تواند توجیه متفاوتی داشته باشد. بیشینه در مقدار تبدیل موجک ضربدری نشان‌دهنده این شباهت است (راندی و یانگ^۲، ۱۹۹۳). در این پژوهش از تبدیل موجک اصلاح‌شده استفاده شده است. این اصلاح از طریق نرمال‌سازی مقیاس به صورت زیر انجام می‌گیرد:

$$wxy(t, s) = \frac{1}{s} wx(t, s) \bar{w}y(t, s) \quad (3)$$

برای اختلاف فاز، از روش روش و اشمیدباوئر^۳ (۲۰۱۶) پیروی کرده که به صورت زیر است:

$$Angle(\tau, \delta) = Arg(Wave.xy(\tau, \delta)) \quad (4)$$

اختلاف فاز x بر y در هر لحظه و مقیاس، برابر است با تفاوت بین اختلاف فاز هر یک از سری‌ها، که به بازه زاویه $[-\pi, \pi]$ تبدیل شده‌اند. دو سری زمانی هم‌فاز یا خلاف‌فاز در نظر گرفته می‌شوند، اگر مقدار مطلق اختلاف فاز به ترتیب کمتر یا بیشتر از $\pi/2$ در آن مقیاس باشد.

همبستگی موجک^۴ معیار مفید دیگری است که برای تعیین میزان همبستگی تبدیل

^۱. Grinsted et al.

^۲. Randy and Young

^۳. Rösch and Schmidbauer

^۴. Wavelet Coherence

موجک ضربداری در فضای زمان-فرکانس به کار می‌رود (گرینستد و همکاران، ۲۰۰۴). این معیار نشان می‌دهد که هم‌حرکتی بین دو سری زمانی در طول زمان و فرکانس مقداری بین صفر و یک دارد؛ هرچه به یک نزدیک‌تر باشیم، ارتباط قوی‌تر خواهد بود. علاوه بر میزان ارتباط، نمودار همبستگی موجک فرکانس‌هایی را که این ارتباط در آن‌ها رخ داده است نیز نشان می‌دهد (اوزمن و ییلماز^۱، ۲۰۱۷). برای تحلیل همبستگی موجک بین دو سری زمانی، از روش تورنس و وبستر^۲، ۱۹۸۸ استفاده می‌کنیم:

$$R_n^2(s) = \frac{|s(s^{-1}w_n^{xy}(s))|^2}{s(s^{-1}|w_n^x(s)|^2)s(s^{-1}|w_n^y(s)|^2)} \quad (5)$$

عملگر هموارسازی S یک عملگر هموارسازی مناسب برای موجک مارلت است و به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$S_{time}(W)|_s = (w_n(s) * c_1 \frac{-t^2}{s^2})| \quad (6)$$

$$S_{time}(W)|_s = (w_n(s) * c_2 \Pi(0.6s))| \quad (7)$$

ثابت‌های نرمال‌سازی C1 و C2 هستند و Π تابع مستطیلی است. ضریب ۰/۶ نیز به‌صورت تجربی به‌عنوان طول ناهماهنگی مقیاسی برای موجک مارلت تعیین شده است. برای اختلاف فازها، از روش روش و اشمیدباوئر، ۲۰۱۶ پیروی می‌کنیم و به‌صورت زیر نوشته می‌شود:

$$Angle(\tau, \delta) = Arg(Wave.xy(\tau, \delta)) \quad (8)$$

این‌گونه اختلاف فاز موسوم به x روی y در هر زمان و مقیاس، برابر است با اختلاف بین فازهای موضعی هر یک از سری‌های زمانی که به زاویه‌ای در بازه $[-\pi, \pi]$ تبدیل شده باشند. اگر مقدار قدرمطلق این اختلاف فاز در یک مقیاس کمتر از $\pi/2$ باشد، دو سری هم‌فاز در نظر گرفته می‌شوند، و اگر بیشتر از $\pi/2$ باشد، خلاف فاز هستند

^۱. Özmen and Yilmaz

^۲. Torrence and Webster

(ترسوی و ماری^۱، ۲۰۲۰).

۴. یافته‌ها و تحلیل نتایج

در این بخش، ابتدا به معرفی و تحلیل توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش پرداخته و سپس نتایج حاصل از تحلیل هم‌دوسی موجدک و تحلیل مقایسه‌ای ارائه خواهد شد.

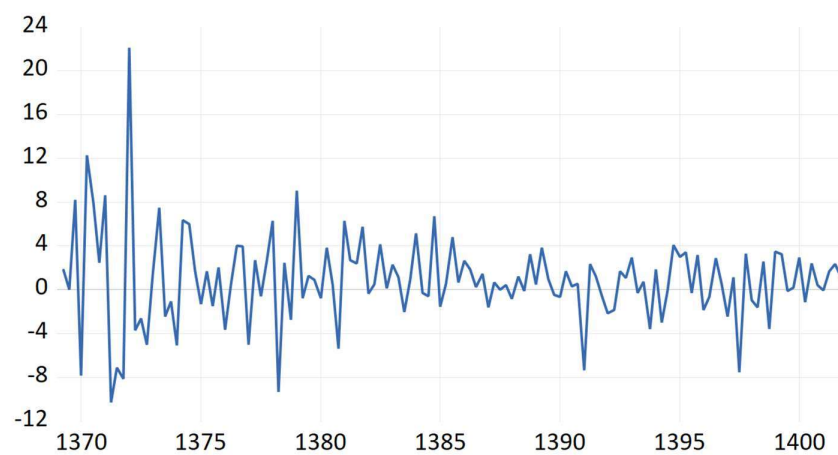
۴-۱ داده‌ها و معرفی متغیرها

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، به صورت فصلی برای دوره زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۱، از پایگاه داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده‌اند. متغیرهای اصلی شامل رشد اقتصادی حقیقی، و دو ابزار متفاوت برای سنجش نااطمینانی سیاست مالی مبتنی بر مالیات هستند. در ادامه، روند زمانی هر یک از این متغیرها ارائه شده است.^۲

نمودار (۱)، نوسان شدید و بی‌ثباتی رشد اقتصادی ایران را نشان می‌دهد. نوسان شدید در اوایل دهه ۱۳۷۰، می‌تواند به دلیل هم‌زمانی با دوران بازسازی پس از جنگ و اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری باشد که به یک جهش اولیه و سپس رکود منجر شد. دهه ۱۳۸۰، به دلیل افزایش قیمت نفت، دوره‌ای از رشد مثبت را تجربه کرد، هرچند این رشد نیز با نوسان همراه بود. در نهایت، دو رکود عمیق و بی‌سابقه در اوایل و اواخر دهه ۱۳۹۰ (به ترتیب در سال‌های ۱۳۹۱-۹۲ و ۱۳۹۷-۹۸)، وجود دارد که می‌تواند ناشی از تشدید تحریم‌های اقتصادی در آن دوره باشد.

^۱. Tursoy and Mar'i

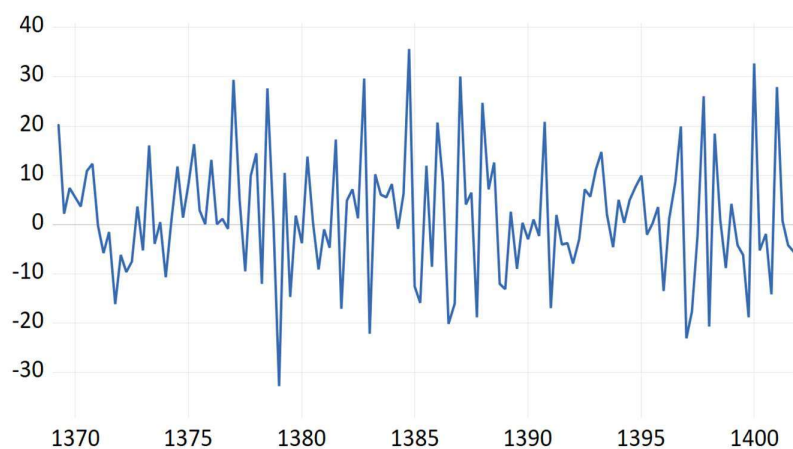
^۲. پس از اطمینان از ایستایی سری‌های زمانی، الگوی میانگین متحرک-خودرگرسی (ARMA) مناسب برای دو متغیر «رشد مالیات» و «نسبت مالیات به تولید» انتخاب شد؛ به گونه‌ای که برای متغیر نخست الگوی MA(1) و برای متغیر دوم الگوی AR(3) برازش گردید. سپس بر اساس معیارهای تشخیصی و آزمون‌های مربوط به ناهمسانی واریانس، برای هر دو متغیر الگوی GARCH(1,1) به عنوان الگوی نوسان‌پذیری شرطی تعیین شد.



نمودار (۱). سری زمانی رشد اقتصادی

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های بانک مرکزی

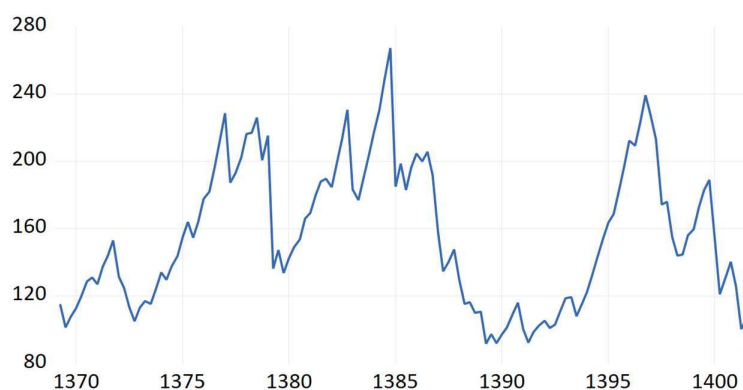
نمودار (۲) بیانگر نوسان و فرکانس بالای این متغیر در دوره ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰ است. این بی‌ثباتی نشان می‌دهد که درآمدهای مالیاتی دولت یک روند پایدار و قابل پیش‌بینی نداشته‌اند.



نمودار (۲). سری زمانی نرخ رشد مالیات

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های بانک مرکزی

در نمودار (۳) که واریانس شرطی این سری را به عنوان شاخصی از بی‌ثباتی نشان می‌دهد، خوشه‌هایی از ناپاطمینانی بالا وجود دارد، به‌ویژه در اواسط دهه ۱۳۷۰، اواسط دهه ۱۳۸۰ و همچنین در طول دهه ۱۳۹۰. این دوره‌ها به ترتیب می‌توانند نشان‌دهنده شرایط پس از تعدیل اقتصادی، دوران رونق درآمدهای نفتی که سیاست‌های مالیاتی را تحت‌تأثیر قرار دادند، و درنهایت دوره تشدید تحریم‌ها و تلاش دولت برای جبران کسری بودجه از طریق مالیات باشد که هر یک موجب بی‌ثباتی در رشد مالیات شده است.

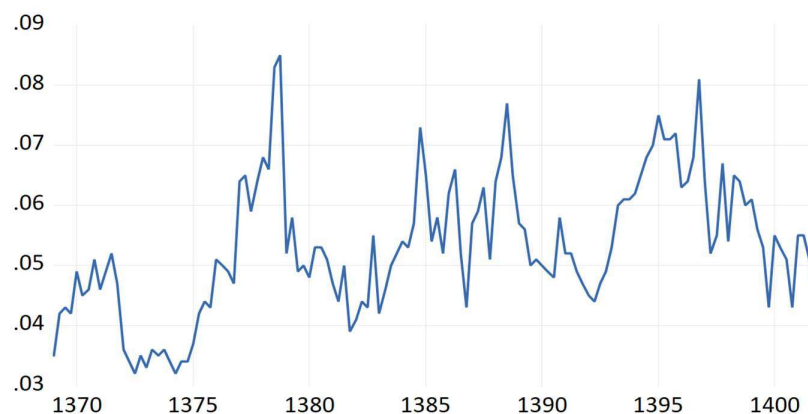


نمودار (۳). ناپاطمینانی نرخ رشد مالیات

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های بانک مرکزی

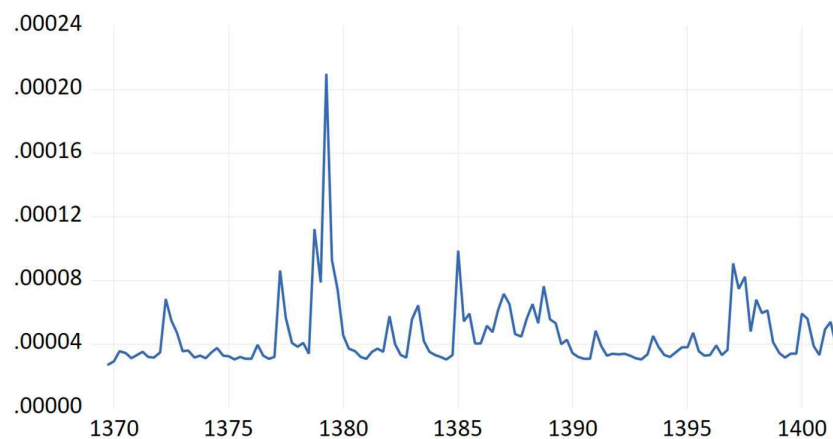
نمودار (۴) نشان‌دهنده سهم مالیات از کل اقتصاد است که یکی از شاخص‌های ظرفیت مالی دولت است. این نسبت در ایران طی سه دهه گذشته در سطح نسبتاً پایینی قرار داشته و دارای نوسان دوره‌ای بوده است، که می‌تواند به علت وابستگی ساختاری اقتصاد به درآمدهای نفتی و ضعف در نظام مالیاتی باشد. نمودار (۵) عدم قطعیت این نسبت را به نشان می‌دهد. یک جهش شدید در ناپاطمینانی در حدود سال ۱۳۸۰ مشاهده می‌شود که می‌تواند با اجرای قانون برنامه سوم توسعه و تلاش برای

اصلاحات مالیاتی در آن دوره مرتبط باشد. خوشه‌های کوچک‌تر نااطمینانی در دهه ۱۳۹۰ نیز می‌تواند بیانگر چالش‌های ناشی از تحریم‌ها و نوسان شدید تولید ناخالص داخلی باشد که پیش‌بینی‌پذیری سهم مالیات از اقتصاد را با مشکل مواجه کرد.



نمودار (۴). سری زمانی نسبت مالیات به تولید

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های بانک مرکزی

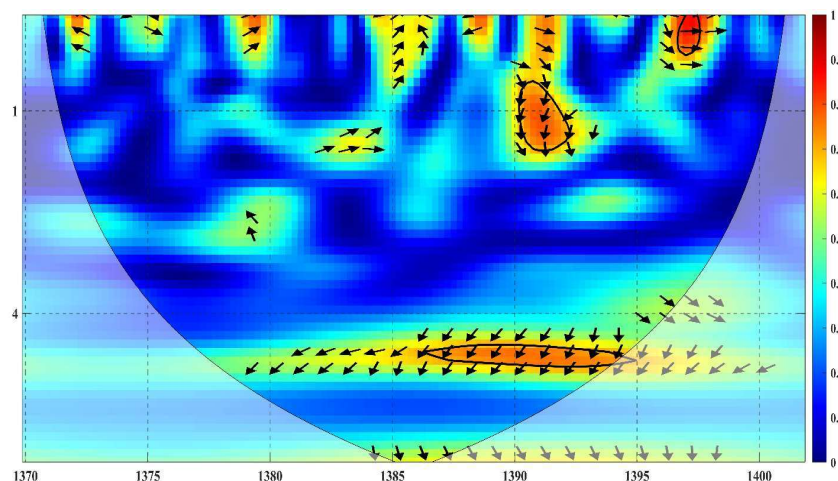


نمودار (۵). نااطمینانی نسبت مالیات به تولید

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های بانک مرکزی

۲-۴. ارتباط میان رشد اقتصادی و نااطمینانی سیاست مالی با ابزار رشد مالیات

این بخش به تحلیل تجربی رابطه پویا بین رشد اقتصادی و نااطمینانی رشد مالیات‌ها در ایران طی دوره ۱۳۷۰ الی ۱۴۰۱ می‌پردازد. نااطمینانی مالیاتی، به عنوان شاخصی از غیرقابل پیش‌بینی بودن سیاست‌های درآمدی دولت، نقشی دوگانه و حیاتی در اقتصاد ایفا می‌کند. از یک سو، یک نظام مالیاتی باثبات، بنای اعتماد بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری بلندمدت است و از سوی دیگر، تلاش‌های غیرمنتظره دولت برای افزایش درآمدها می‌تواند دلیلی برای بی‌ثباتی و اخلاف در فعالیت‌های اقتصادی باشد. این تحلیل به دنبال بررسی این رابطه پیچیده، به ویژه در بستر یک اقتصاد در حال گذار از وابستگی به نفت به درآمدهای داخلی است.



شکل (۱): هم‌دوسی میان نااطمینانی رشد مالیات و رشد اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

راهنمای تفسیر نمودار: نمودار هم‌دوسی بالا، شدت رابطه بین دو متغیر را در گذر زمان و فرکانس نشان می‌دهد. رنگ‌ها نشان‌دهنده میزان همبستگی هستند: رنگ قرمز همبستگی قوی و رنگ آبی همبستگی ضعیف را نشان می‌دهد. محور افقی زمان را به

سه دوره کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تقسیم می‌کند. ناحیه درون مخروط قابل اعتمادتر است و نواحی با خط مشکی معنادار هستند. جهت فلش‌ها نیز رابطه فازی بین دو متغیر را نشان می‌دهند.

در ادامه این رابطه در افق‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بررسی می‌شود.

۱-۲-۴. تحلیل در افق کوتاه‌مدت (۰ تا ۱ سال)

در افق زمانی کوتاه‌مدت، نتایج نشان‌دهنده وجود روابط معنادار اما متغیر است که تحت تأثیر رژیم‌های سیاستی و شوک‌های اقتصادی غالب در هر دوره بوده است. در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲، یک رابطه علی خلاف فاز از رشد اقتصادی به سمت نااطمینانی مالیاتی وجود داشت. این دوره مصادف با آغاز دور جدید تحریم‌ها و سقوط درآمدهای نفتی بود و اقتصاد با رکود تورمی مواجه شد. در این بازه زمانی، کاهش رشد اقتصادی، دولت را با مشکل مواجه ساخت. برای جبران کاهش درآمد، دولت درآمدهای مالیاتی خود را افزایش داد و پایه‌های جدید مالیاتی را شناسایی کرد. این تصمیم دولت، منجر به افزایش نااطمینانی در سیاست‌های مالیاتی شد.

در مقابل، در دوره ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷، که با بهبود نسبی شرایط اقتصادی در دوران پسابرجام همراه بود، یک رابطه علی هم‌فاز از نااطمینانی مالیاتی به رشد اقتصادی وجود داشت. در این دوره، دولت تلاش کرد تا از فضای ایجاد شده برای انجام اصلاحات در نظام مالیاتی، به ویژه از طریق گسترش پایه‌های مالیاتی جدید و افزایش شفافیت استفاده کند. این اقدامات اصلاحی، هرچند در جهت صحیح بودند، اما در کوتاه‌مدت به دلیل مقاومت‌های موجود، به عنوان یک منبع نااطمینانی سیاستی از دید بخش خصوصی تلقی می‌شدند. رابطه هم‌فاز نشان می‌دهد که این نااطمینانی، هم‌زمان با بهبود رشد اقتصادی ناشی از گشایش‌های پسابرجام رخ داده است. این یافته نشان می‌دهد که چگونه حتی اصلاحات ضروری نیز می‌توانند در کوتاه‌مدت باعث ایجاد عدم قطعیت شوند.

۲-۲-۴. تحلیل در افق میان‌مدت (۱ تا ۴ سال)

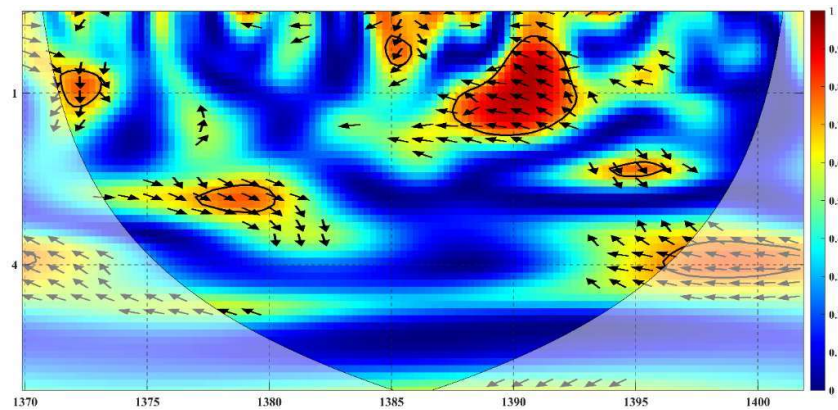
در افق زمانی میان‌مدت، که نشان‌دهنده اثرات پایدار چرخه‌های تجاری است، نتایج، پویایی‌های ساختاری و چالش‌های بلندمدت رابطه بین رشد اقتصادی و سیاست‌های درآمدی دولت را ارائه می‌دهد. مهم‌ترین یافته در این افق زمانی مربوط به بازه ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ است. در این دوره، یک رابطه علی خلاف فاز و شدید از رشد اقتصادی به نااطمینانی مالیاتی وجود داشت. در این دوره که اقتصاد ایران با رکود ساختاری ناشی از تحریم‌ها مواجه بود، کاهش پایدار در رشد اقتصادی، درآمدهای دولت را در میان‌مدت با چالش مواجه ساخت. این موضوع دولت را با یک انتخاب روبه‌رو کرد: پذیرش کسری بودجه و تأمین مالی تورم‌زای آن، و یا تلاش برای افزایش فشار مالیاتی بر بخش‌های اقتصادی که درگیر رکود بودند. هر دو این مسیر به افزایش نااطمینانی منجر می‌شد. انتخاب مسیر دوم، یعنی تلاش برای افزایش درآمدهای مالیاتی در دوره رکود، نشانه منفی برای بخش خصوصی بود. این سیاست، که در ادبیات اقتصادی به عنوان سیاست مالی موافق چرخه‌ای در سمت درآمدها بیان می‌شود، با افزایش بار مالیاتی بر بنگاه‌ها، نه تنها موجب افزایش رکود شد، بلکه با ایجاد عدم قطعیت در پایداری این سیاست‌ها، به سرمایه‌گذاری میان‌مدت نیز آسیب رساند. این یافته نشان می‌دهد که چگونه رکود اقتصادی می‌تواند با ایجاد اخلال در سیاست‌های درآمدی، خود را در یک چرخه معیوب، در میان‌مدت تقویت کند.

۲-۲-۴. تحلیل در افق بلندمدت (بیش از ۴ سال)

افق بلندمدت، که نشان‌دهنده روند ساختاری و بنیادین اقتصاد است، با یک ناحیه همبستگی شدید در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ همراه بود. در این دوره، یک رابطه علی خلاف فاز از رشد اقتصادی به سمت نااطمینانی مالیاتی وجود داشت. این یافته، از مهم‌ترین نتایج این پژوهش بوده و یک پارادوکس کلیدی در اقتصاد سیاسی ایران را

ارائه می‌دهد. این الگو نشان می‌دهد که در بلندمدت، دوره‌های رشد اقتصادی منفی، با افزایش نااطمینانی در سیاست‌های مالیاتی همراه بوده است. علت این پدیده به ساختار رانتی اقتصاد ایران مربوط است. در بلندمدت، زمانی که اقتصاد با رشد پایین و کاهش درآمدهای نفتی مواجه می‌شود، نیاز به تحول مالی از یک دولت متکی به رانت به دولتی مبتنی بر درآمدهای مالیاتی، اهمیت می‌یابد. این تغییر که در گرو اصلاحات ساختاری بنیادین، گسترش دامنه مالیات‌ستانی، ارتقای شفافیت مالی و مقابله با پدیده فرار مالیاتی است، فرآیندی پیچیده، زمان‌بر و همراه با چالش‌ها و ابهام‌های فراوان خواهد بود. رابطه خلاف فاز در این بازه زمانی نشان می‌دهد که کاهش رشد پایدار، دولت را مجبور به انجام این فرآیند کرد. اما این فرآیند اصلاحی، به دلیل مقاومت‌های سیاسی، چالش‌های اجرایی و تغییرات مکرر در قوانین، موجب نااطمینانی ساختاری در بلندمدت شد. فعالان اقتصادی در این دوره‌ها با عدم قطعیت در مورد نظام مالیاتی آینده مواجه بودند. بنابراین، رکود بلندمدت، اگرچه ضرورت اصلاحات مالیاتی را ایجاب می‌کند، اما فرآیند اصلاح، به دلیل چالش‌های آن، به تشدید نااطمینانی در محیط اقتصاد کلان منجر می‌شود. این نتیجه، پیچیدگی‌های گذار از اقتصاد رانتی را نشان می‌دهد.

۳-۴. ارتباط میان رشد اقتصادی و نااطمینانی سیاست مالی با ابزار نسبت مالیات به تولید این بخش به تحلیل تجربی رابطه پویا بین رشد اقتصادی و نااطمینانی نسبت مالیات به تولید در ایران طی دوره ۱۳۷۰ الی ۱۴۰۱ می‌پردازد. این ابزار، برخلاف ابزار قبلی که نوسان در آهنگ رشد مالیات را می‌سنجید، به طور مستقیم نااطمینانی در مورد اندازه نسبی مالیات در اقتصاد را اندازه‌گیری می‌کند.



شکل (۲). همدوسی میان نااطمینانی نسبت مالیات به تولید و رشد اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه این رابطه در افق‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بررسی می‌شود.

۴-۳-۱. تحلیل در افق کوتاه‌مدت (۰ تا ۱ سال)

در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۶، که مصادف با اوج درآمدهای نفتی بود، یک رابطه علی خلاف فاز از رشد اقتصادی به سمت نااطمینانی مالیاتی وجود داشت. در این دوره که با رشد اقتصادی بالا و درآمدهای نفتی همراه بود، دولت با اتکای کمتر به درآمدهای مالیاتی پرنوسان، یک ثبات نسبی در سیاست‌های مالیاتی ایجاد کرد و نااطمینانی در این حوزه را کاهش داد. در این دوره، رونق اقتصادی به ثبات سیاست‌گذاری منجر شد.

این الگو در دهه ۱۳۹۰ معکوس شد. در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳، یک رابطه علی خلاف فاز و شدید از نااطمینانی مالیاتی به سمت رشد اقتصادی وجود داشت. این دوره، که با آغاز بحران مالی جهانی، کاهش قیمت نفت و سپس تشدید تحریم‌ها همراه بود، یک دوره بی‌ثبات بوده است. در چنین شرایطی، افزایش نااطمینانی در مورد سیاست‌های درآمدی دولت، از طریق تضعیف اعتماد بخش خصوصی و ایجاد اختلال در برنامه‌ریزی بنگاه‌ها، به طور مستقیم منجر به کاهش رشد اقتصادی شد. این ناحیه، نقش

نااطمینانی مالیاتی را به عنوان یک لنگر رکودی در شرایط بحران نشان می‌دهد.

۲-۳-۴. تحلیل در افق میان مدت (۱ تا ۴ سال)

در بازه زمانی ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱، یک رابطه علی هم‌فاز از نااطمینانی مالیاتی به سمت رشد اقتصادی وجود داشت. این دوره مصادف با اجرای برنامه سوم توسعه بود که بر اصلاحات اقتصادی و افزایش شفافیت تاکید داشت. این رابطه هم‌فاز، می‌تواند به عنوان نااطمینانی ناشی از اصلاحات باشد. در این بازه زمانی، هرچند تلاش‌های دولت برای نوسازی و گسترش پایه‌های مالیاتی در مسیر درستی قرار داشت، اما به دلیل نو بودن این سیاست‌ها و دگرگونی‌هایی که در فضای کسب‌وکار ایجاد می‌کرد، در میان مدت عاملی برای افزایش عدم قطعیت در میان بنگاه‌ها شد. همزمانی این نااطمینانی با بهبود نسبی رشد اقتصادی که نتیجه ثبات کلی و اجرای سایر اصلاحات بود، موجب شکل‌گیری الگوی خاصی در رفتار اقتصادی فعالان شد.

در دوره ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲، یک رابطه علی خلاف فاز از نااطمینانی مالیاتی به سمت رشد اقتصادی وجود داشت. این یافته، که پایداری و عمق تحلیلی بیشتری نسبت به ارزیابی‌های کوتاه مدت دارد، نشان‌دهنده رکود در بازه میان مدت است. در دوره‌ای که اقتصاد ایران تحت فشار رکود ساختاری ناشی از تحریم‌ها قرار داشت، تشدید نااطمینانی سیاست‌های درآمدی دولت، موجب شد تا سرمایه‌گذاری‌های میان مدت آسیب ببینند. زیرا بنگاه‌ها در زمان برنامه‌ریزی برای آینده، با این ابهام مواجه بودند که دولت تا چه میزان برای جبران کسری‌های بودجه‌ای خود به افزایش فشار مالیاتی بر تولید متوسل خواهد شد. ابهامی که ریسک سرمایه‌گذاری جدید را بالا برده و انگیزه ورود به پروژه‌های بلندمدت را تضعیف می‌کرد.

در نهایت، در دوره ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۵، پس از توافق هسته‌ای، یک تغییر فاز دیگر رخ می‌دهد و یک رابطه علی هم‌فاز از نااطمینانی مالیاتی به سمت رشد اقتصادی پدیدار می‌شود. این الگو، مشابه دوره ۷۷-۸۱، نشان‌دهنده نااطمینانی ناشی از اصلاحات در

دوره رونق است. با بهبود شرایط اقتصادی، دولت مجدداً تلاش برای اصلاحات مالیاتی را در دستور کار قرار داد که این امر در میان مدت با رشد اقتصادی همزمان شد.

۳-۳-۴. تحلیل در افق بلندمدت (بیش از ۴ سال)

یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش، عدم وجود هرگونه رابطه معنادار آماری بین رشد اقتصادی و نااطمینانی نسبت مالیات به تولید در افق بلندمدت است. این نتیجه، که نشان می‌دهد اثر نوسان سیاست‌های مالیاتی در طول زمان کم می‌شود، دلالت‌های مهمی برای درک پیش‌بینی‌های رشد پایدار دارد. این نبود رابطه، نشان می‌دهد که در بلندمدت، مسیر رشد اقتصادی کشور کمتر تحت تأثیر متغیرهای جریانی مانند درآمدهای مالیاتی سالانه قرار دارد و بیش‌تر توسط متغیرهای انباره و عوامل نهادی تعیین می‌شود. از دید نظریه‌های رشد مدرن، عوامل بنیادین همچون انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، کیفیت نهادهای حاکمیتی، حفاظت از حقوق مالکیت، و ظرفیت نوآوری فناوریانه، عوامل اصلی در تعیین نرخ رشد پایدار بلندمدت هستند.

در حالی که نااطمینانی سیاست‌های مالیاتی می‌تواند چرخه‌های تجاری میان مدت را از طریق اخلال در سرمایه‌گذاری و انتظارات تحت تأثیر قرار دهد، اما در افق زمانی طولانی، در برابر عوامل ساختاری، اثر ندارد. به عبارت دیگر، هرچند بی‌ثباتی در نظام درآمدی می‌تواند مسیر اقتصاد را در کوتاه مدت و میان مدت از روند بلندمدت خود منحرف سازد، اما این روند در بلندمدت توسط عوامل دیگری شکل می‌گیرد.

در ادامه خلاصه یافته‌های این بخش، در جدول (۱) ارائه می‌شود:

جدول (۱). خلاصه یافته‌های حاصل از همدوسی

ابزار نااطمینانی سیاست مالی	افق زمانی	دوره زمانی مشاهده شده	نوع رابطه (فاز)	جهت علیت (متغیر پیشرو)
رشد مالیات	کوتاه مدت	۱۳۹۰-۱۳۹۲	خلاف فاز	رشد اقتصادی
		۱۳۹۶ - ۱۳۹۷	هم فاز	نااطمینانی

رشد اقتصادی	خلاف فاز	۱۳۹۰-۱۳۹۳	میان مدت	نسبت مالیات به تولید
رشد اقتصادی	خلاف فاز	۱۳۸۶-۱۳۹۵	بلندمدت	
رشد اقتصادی	خلاف فاز	۱۳۸۵-۱۳۸۶	کوتاه مدت	
نااطمینانی	خلاف فاز	۱۳۸۷-۱۳۹۳		
نااطمینانی	هم فاز	۱۳۷۷-۱۳۸۳	میان مدت	
نااطمینانی	خلاف فاز	۱۳۸۷-۱۳۹۲		
نااطمینانی	هم فاز	۱۳۹۴-۱۳۹۵		
-	عدم وجود رابطه معنادار	-	بلندمدت	

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۴. تحلیل یافته‌ها

تحلیل همبستگی موجدک برای هر دو ابزار نااطمینانی مالیاتی (نوسانات رشد مالیات‌ها و نوسانات نسبت مالیات به تولید)، مجموعه‌ای از الگوهای پیچیده را نشان می‌دهد. با این حال، با نگاهی عمیق‌تر، می‌توان این یافته‌ها را در قالب یک چارچوب تحلیلی منسجم که ما آن را تله سیاست‌گذاری درآمدی می‌نامیم، تبیین کرد. این تله، که ریشه در ساختار رانتی اقتصاد ایران و چالش‌های گذار به یک دولت مالیاتی دارد، در سه قاعده‌مندی تجربی اصلی قابل تشریح است.

۴-۴-۱. قاعده‌مندی تجربی اول: دوگانگی اثر نااطمینانی مالیاتی در کوتاه‌مدت

یافته‌های کوتاه‌مدت نشان می‌دهد که رابطه بین رشد اقتصادی و نااطمینانی مالیاتی، رابطه‌ای یکنواخت و پایدار نیست، بلکه بسته به شرایط اقتصاد کلان می‌تواند آثار دوگانه و متضادی داشته باشد.

۴-۴-۱-۱. نااطمینانی به مثابه لنگر رکودی در دوره‌های بحران

در دوره‌های رکود ناشی از شوک‌های خارجی، مانند دهه ۱۳۹۰، شواهد نشان‌دهنده یک رابطه علی خلاف فاز از نااطمینانی مالیاتی به سمت رشد اقتصادی است (به‌ویژه در

حوالی سال ۱۳۹۱). این یافته، نقش نااطمینانی مالیاتی را به عنوان یک لنگر رکودی نشان می‌دهد. در شرایطی که درآمدهای نفتی دولت کاهش می‌یابد، بخش خصوصی با این عدم قطعیت مواجه می‌شود که دولت برای جبران منابع خود، تا چه حد و با چه کیفیتی از ابزار مالیات استفاده خواهد کرد. این نااطمینانی، ریسک فعالیت اقتصادی را افزایش داده و با تضعیف انگیزه سرمایه‌گذاری و مصرف، منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

۴-۱-۴. رشد اقتصادی و اثر دوگانه آن بر نااطمینانی

در اوایل دهه ۱۳۷۰، همزمان با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، رشد اقتصادی باعث نظم بیشتر در سیاست‌گذاری و در نتیجه کاهش نااطمینانی مالیاتی شد. اما در دهه ۱۳۸۰ و در دوران رونق درآمدهای نفتی، این روند تغییر کرد؛ به گونه‌ای که رشد اقتصادی با ضعف در سیاست‌گذاری همراه شد و نااطمینانی مالیاتی را افزایش داد. این تضاد نشان می‌دهد که رشد اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده ثبات در سیاست‌های مالیاتی باشد، بلکه کیفیت این رشد و ساختار نهادی حاکم بر آن اهمیت اساسی دارد.

۴-۴-۲. قاعده‌مندی تجربی دوم: چالش ساختاری تبدیل رشد به درآمدهای پایدار در میان‌مدت

در افق زمانی میان‌مدت، چالش ساختاری ناتوانی در تبدیل رشد اقتصادی به یک نظام درآمدی باثبات در اقتصاد ایران وجود داشت. از یک سو، در بازه ۱۳۹۳-۱۳۹۰، یک رابطه علی خلاف فاز از رشد اقتصادی به سمت نااطمینانی در رشد مالیات‌ها وجود داشت. رکود اقتصادی مداوم در این دوره باعث شد دولت برای جبران کسری‌ها، به اقدامات ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی در حوزه مالیات روی آورد؛ اقداماتی که موجب افزایش نااطمینانی و بی‌ثباتی در فضای اقتصادی شد.

از سوی دیگر، و به طور همزمان، در بازه ۱۳۹۲-۱۳۸۹، یک رابطه علی هم‌فاز از

رشد اقتصادی به سمت نااطمینانی در نسبت مالیات به تولید وجود داشت. این یافته به ظاهر متناقض، نشان می‌دهد حتی در دوره‌هایی که رشد اقتصادی وجود دارد، این رشد به دلیل ماهیت رانتی و غیرمولد آن، به افزایش پایدار و متناسب درآمدهای مالیاتی منجر نمی‌شود.

این دو مشاهده در کنار یکدیگر، پارادوکس تلاش مالیاتی در اقتصاد ایران را نشان می‌دهد. در دوره‌های رکود، دولت برای جبران کاهش درآمدها، فشار بیشتری بر نظام مالیاتی وارد می‌کند و همین موضوع منجر به افزایش نااطمینانی می‌شود. در دوره‌های رشد اقتصادی نیز، به دلیل ضعف در پایه‌های مالیاتی و اتکای اقتصاد به بخش‌هایی با بار مالیاتی پایین، رشد اقتصادی به افزایش قابل توجه نسبت مالیات به تولید نمی‌انجامد. در نتیجه، دولت برای دستیابی به اهداف بودجه‌ای خود ناچار به اعمال تغییرات پی‌درپی در قوانین مالیاتی می‌شود؛ تغییری که خود منجر به تشدید نااطمینانی می‌شود.

این قاعده‌مندی تجربی، مبنی بر تشدید نااطمینانی در پی تلاش برای افزایش درآمد مالیاتی در دوران رکود، نیازمند تفسیری دقیق است. این یافته عمدتاً نشان‌دهنده غلبه سیاست‌های کوتاه‌مدت و مبتنی بر افزایش فشار بر پایه‌های مالیاتی موجود در اقتصاد ایران است. اقداماتی نظیر تغییرات ناگهانی در نرخ‌ها، صدور بخشنامه‌های متعدد و تمرکز بر مؤدیان شناسایی‌شده، به دلیل ماهیت پیش‌بینی‌ناپذیر خود، مستقیماً به بی‌ثباتی در محیط کسب‌وکار منجر می‌شوند. در مقابل، اصلاحات ساختاری با هدف گسترش پایه‌های مالیاتی (مانند مبارزه نظام‌مند با فرار مالیاتی یا معرفی پایه‌های جدید)، هرچند در بلندمدت به ثبات و پایداری درآمدهای دولت می‌انجامد، اما فرآیندهایی زمان‌بر هستند که در عمل، در دوره‌های رکودی گذشته، کمتر به عنوان ابزار اصلی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بنابراین، یافته ما بیش از آنکه مطلوبیت اصلاحات ساختاری را کمرنگ نشان دهد، پیامدهای منفی اقدامات درآمدی شتاب‌زده و غیرساختاری را برجسته می‌سازد.

۴-۳. قاعده‌مندی تجربی سوم: ناسازگاری بلندمدت اصلاحات مالیاتی در اقتصاد ایران

در افق بلندمدت، یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی یک ناسازگاری در فرآیند اصلاحات مالیاتی در چارچوب اقتصاد سیاسی ایران است. از یک سو، تحلیل نااطمینانی در رشد مالیات‌ها، یک ناحیه همبستگی قدرتمند در بازه ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد که در آن، یک رابطه علی خلاف فاز از رشد اقتصادی به سمت نااطمینانی مالیاتی وجود دارد. این موضوع، ناسازگاری اصلاحات در اقتصاد ایران را نشان می‌دهد. زمانی که اقتصاد دچار رکود ساختاری می‌شود، نیاز به گذار مالی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، سیاست‌گذار را به افزایش درآمدهای مالیاتی سوق می‌دهد. این گذار که نیازمند اصلاحات عمیق در ساختار اقتصادی و مالی است، با تنش و عدم قطعیت همراه است. در چنین شرایطی، با کاهش رشد اقتصادی، دولت اصلاحات جدیدی اتخاذ می‌کند؛ اما اجرای آن‌ها، به دلیل موانع سیاسی و چالش‌های اجرایی، به یکی از منابع اصلی نااطمینانی ساختاری در بلندمدت تبدیل می‌شود. از سوی دیگر، تحلیل نااطمینانی در نسبت مالیات به تولید، رابطه معناداری را در بلندمدت نشان نمی‌دهد. این عدم وجود رابطه در کنار یافته قبلی، این موضوع را تکمیل می‌کند. این نتیجه دلالت بر آن دارد که با وجود تمام تلاش‌ها و نااطمینانی‌های ایجاد شده در فرآیند اصلاحات که در نوسان رشد مالیات‌ها دیده شد، در نهایت این تلاش‌ها موفق به ایجاد یک تغییر ساختاری و پایدار در سهم مالیات از اقتصاد نشد.

در مجموع، این دو یافته نشان می‌دهند که اقتصاد ایران در یک چرخه معیوب گرفتار شده است: رکود طولانی‌مدت، نیاز به اصلاحات مالیاتی را ضروری می‌سازد، اما اجرای این اصلاحات، به دلیل ضعف‌های نهادی و موانع ساختاری، نه تنها با افزایش نااطمینانی همراه است، بلکه در نهایت نیز به افزایش پایدار نسبت مالیات به تولید منجر نمی‌شود.

۵. نتیجه‌گیری و دلالت‌های سیاستی

رابطه بین رشد اقتصادی و نااطمینانی مالیاتی اهمیت بسیاری در فهم چالش‌های ساختاری و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی ایران دارد. در شرایطی که اقتصاد کشور در مسیر گذار از ساختارهای نفتی و رانتی به سمت توسعه پایدار و نظام مالیاتی منسجم قرار گرفته است، درک دقیق پویایی‌های این رابطه برای طراحی سیاست‌های کارآمد و پایدار ضروری است. تحلیل پویایی‌های رابطه بین رشد اقتصادی و نااطمینانی مالیاتی در ایران، تصویری پیچیده از یک اقتصاد در حال گذار را به نشان می‌دهد که در مواجهه با تله سیاست‌گذاری است. این تله، که در سه قاعده‌مندی تجربی در افق‌های زمانی مختلف خود را نشان می‌دهد، حاکی از یک چالش ساختاری عمیق در گذار از یک دولت رانتی به یک دولت مالیاتی باثبات است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این رابطه نامتقارن و وابسته به شرایط اقتصاد کلان است. قاعده‌مندی تجربی اول، دوگانگی اثر نااطمینانی مالیاتی در کوتاه‌مدت را نشان می‌دهد؛ جایی که در دوره‌های بحران، نااطمینانی مالیاتی به لنگر رکودی تبدیل شده و در دوره‌های رونق، رشد اقتصادی موجب افزایش نااطمینانی از طریق اصلاحات غیرقابل پیش‌بینی شده است. قاعده‌مندی تجربی دوم، چالش ساختاری تبدیل رشد به درآمدهای پایدار در میان‌مدت را نشان می‌دهد که در آن، حتی تلاش‌های دولت برای افزایش درآمد در دوره‌های رکود نیز به دلیل ضعف ساختاری، منجر به تشدید نااطمینانی شد. در نهایت، قاعده‌مندی تجربی سوم، پارادوکس اصلاحات در بلندمدت را نشان می‌دهد؛ رکود بلندمدت، ضرورت اصلاحات مالیاتی را ایجاد می‌کند، اما این فرآیند گذار، بدون آنکه باعث ایجاد نتیجه مطلوب (افزایش پایدار سهم مالیات از تولید) شود، منجر به نااطمینانی ساختاری می‌شود.

این پژوهش، دلالت‌های سیاستی مهمی در جهت افزایش درآمد مالیاتی ارائه می‌دهد. سیاست‌گذاران باید از نگاه مقطعی و درآمدی صرف به مالیات فراتر رفته و بر

نقش مهم آن در ایجاد یک محیط باثبات برای سرمایه‌گذاری و رشد پایدار تاکید کنند. اولویت‌بخشی به پیش‌بینی‌پذیری نسبت به افزایش درآمدهای کوتاه‌مدت مالیاتی، نشان‌دهنده اهمیت برابر کیفیت و کمیت افزایش درآمد است. این امر به معنای تغییر رویکرد از اقدامات کوتاه‌مدت و تشدیدکننده ناطمینانی به سمت اصلاحات ساختاری و پایدار است. سیاست‌گذاران باید توجه داشته باشند که تغییرات مکرر و غیرمنتظره در قوانین مالیاتی از طریق افزایش فشار بر پایه‌های موجود، حتی اگر به افزایش درآمد در کوتاه‌مدت منجر شود، می‌تواند با ایجاد ناطمینانی، هزینه‌های بلندمدتی از جمله کاهش سرمایه‌گذاری و کند شدن رشد اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

برای خروج از تله ناطمینانی ناشی از اصلاحات، دولت باید یک نقشه راه شفاف، باثبات و بلندمدت برای اصلاحات مالیاتی تدوین و اجرا کند که بر گسترش هوشمندانه پایه‌های مالیاتی از طریق افزایش شفافیت، مبارزه با فرار مالیاتی و حذف معافیت‌های ناکارآمد تمرکز دارد. این نقشه راه باید مراحل، زمان‌بندی و اهداف هر مرحله از اصلاحات را به طور شفاف برای فعالان اقتصادی مشخص کند تا عدم قطعیت به حداقل برسد. در نهایت، گذار موفق به یک دولت مالیاتی، نیازمند ایجاد یک پیمان اجتماعی-اقتصادی جدید بین دولت و شهروندان (به ویژه بخش خصوصی) است. در این پیمان، دولت با ارائه شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و بهبود کیفیت خدمات عمومی، تمکین مالیاتی داوطلبانه را تشویق می‌کند. این رویکرد، به جای تمرکز بر افزایش فشارهای مقطعی، به دنبال ایجاد یک نظام درآمدی پایدار و مبتنی بر اعتماد متقابل است که می‌تواند کلید خروج از تله سیاست‌گذاری درآمدی و هموارسازی مسیر رشد پایدار و غیرنفتی در اقتصاد ایران باشد.

پیوست:

(۱) رشد مالیات:

آزمون ARCH-LM برای خودرگرسیون با واریانس شرطی قبل الگو

آماره	آماره محاسباتی	سطح معناداری
F-statistic	۰/۰۲۷۶	۰/۸۶۸۹*
Obs*R-squared	۰/۰۲۸۹	۰/۸۶۷۶*

منبع: یافته‌های پژوهش

* نشان دهنده معناداری در سطح ۱۰ درصد هستند.

آزمون ARCH-LM برای خودرگرسیون با واریانس شرطی بعد الگو

آماره	آماره محاسباتی	سطح معناداری
F-statistic	۰/۲۹۹	۰/۵۸۵۶*
Obs*R-squared	۰/۳۰۳	۰/۵۸۲۱*

منبع: یافته‌های پژوهش

(۲) نسبت مالیات به تولید:

آزمون ARCH-LM برای خودرگرسیون با واریانس شرطی قبل الگو

آماره	آماره محاسباتی	سطح معناداری
F-statistic	۰/۲۲۲	۰/۶۳۸۴*
Obs*R-squared	۰/۲۲۵	۰/۶۳۵۳*

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون ARCH-LM برای خودرگرسیون با واریانس شرطی بعد الگو

آماره	آماره محاسباتی	سطح معناداری
F-statistic	۰/۴۳۴	۰/۵۱۱۰*
Obs*R-squared	۰/۴۳۹	۰/۵۰۷۲*

منبع: یافته‌های پژوهش

تعارض منافع:

تعارض منافع وجود ندارد.

سپاسگزاری:

از دانشگاه گیلان جهت حمایت، تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع:

- Afonso, A., & Furceri, D. (2010). Government size, composition, volatility and economic growth. *European Journal of Political Economy*, 26(4), 517-532. <https://doi.org/10.1016/j.ejpoleco.2010.02.003>
- Alavi Bajegani, S. A., Peykarjou, K., Hojabr Kiani, K., & Torabi, T. (2019). Investigating the asymmetric effects of fiscal policy on economic growth in Iran: A quantile regression approach. *Journal of Economics and Modeling*, 10(4), 139-158 (In Persian).
- Amin, A., Chen, Y., & Huang, S. (2018). Personal income tax and economic growth: A comparative study between China and Pakistan. *Asian Journal of Economics and Modeling*, 6(1), 65-73.
- Asafo-Adjei, E., Agyapong, D., Agyei, S. K., Frimpong, S., Djimatey, R., & Adam, A. M. (2020). Economic policy uncertainty and stock returns of Africa: A wavelet coherence analysis. *Discrete Dynamics in Nature and Society*, 2020, Article 8846507. <https://doi.org/10.1155/2020/8846507>
- Babaki R, Effati M (2022) The effect of tax structure on economic growth in Iran. *Tax Research Journal* 30(54): 29-54. <https://doi.org/10.22055/tax.2022.40422.2530> (In Persian).
- Babatunde, O. A., Ibukun, A. O., & Oyeyemi, O. G. (2017). Taxation revenue and economic growth in Africa. *Journal of Accounting and Taxation*, 9(2), 11-22. <https://doi.org/10.5897/JAT2016.0232>
- Chehreghani A, Ansari Samani H (2021) Investigating the effect of payroll tax on economic growth in Iran. *Economic Policy*, 13(26): 121-162. <https://doi.org/10.22054/joep.2021.57943.3278> (In Persian).
- Cornevin, A., Corrales, J. S., & Mojica, J. P. A. (2024). Do tax revenues track economic growth? Comparing panel data estimators. *Economic Modelling*, 140, 106867. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2024.106867>
- Dixit, A. K., & Pindyck, R. S. (1994). *Investment under uncertainty*. Princeton University Press.
- Eaton, J., & Rosen, H. S. (1980). Taxation, human capital, and uncertainty. *The American Economic Review*, 70(4), 705-715.
- Faramarzi, A., Dashtban Farouji, M., Hakimipour, N., Alipour, S. & Jabbari, A. (2015). Investigating the relationship between tax and economic growth: A case study of Iran and OPEC and OECD member countries. *Quarterly Journal of Financial Economics*, 9(32), 103-122 (In Persian).
- Gençay, R., Selçuk, F., & Whitcher, B. (2002). *An introduction to wavelets and other filtering methods in finance and economics*. Academic Press.

- Grinsted, A., Moore, J. C., & Jevrejeva, S. (2004). Application of the cross wavelet transform and wavelet coherence to geophysical time series. *Nonlinear Processes in Geophysics*, 11(5/6), 561-566.
- Gurdal, T., Aydin, M., & Inal, V. (2021). The relationship between tax revenue, government expenditure, and economic growth in G7 countries: New evidence from time and frequency domain approaches. *Economic Change and Restructuring*, 54(2), 305-337. <https://doi.org/10.1007/s10644-020-09298-9>
- Hassett, K. A., & Metcalf, G. E. (1999). Investment with uncertain tax policy: Does random tax policy discourage investment? *The Economic Journal*, 109(457), 372-393. <https://doi.org/10.1111/1468-0297.00452>
- In, F., & Kim, S. (2013). *An introduction to wavelet theory in finance: A wavelet multiscale approach*. World Scientific.
- Jeet, P., & Vats, P. (2017). *Learning quantitative finance with R*. Packt Publishing Ltd.
- Khalili, A., Rahmani, L., & Najafi Z (2010) The effect of government's economic policy uncertainty with emphasis on tax revenue on economic growth. *Proceedings of the Conference on Fiscal and Tax Policies in Iran* (In Persian).
- Kim, I., Snow, A., & Warren J.R.S. (1995). Tax-rate uncertainty, factor supplies, and welfare. *Economic Inquiry*, 33(1), 159-169.
- Loh, L. (2013). Co-movement of Asia-Pacific with European and US stock market returns: A cross-time-frequency analysis. *Research in International Business and Finance*, 29, 1-13. <https://doi.org/10.1016/j.ribaf.2013.01.001>
- Mendoza, E. G., Razin, A., & Tesar, L.L. (1994). Effective tax rates in macroeconomics: Cross-country estimates of tax rates on factor incomes and consumption. *Journal of Monetary Economics*, 34(3), 297-323.
- Oshemi, O.O., & Otusanya, O.J. (2022). *Tax revenue volatility and economic growth in Nigeria*. In Proceedings of the 7th Annual International Academic Conference on the Institute of Chartered Accountants of Nigeria (ICAN). University of Port Harcourt, Rivers State.
- Özmen, M. U., & Yılmaz, E. (2017). Co-movement of exchange rates with interest rate differential, risk premium and FED policy in “fragile economies”. *Emerging Markets Review*, 33, 173-188.
- Porter, N. (2007). Revenue volatility and fiscal risks: An application of value-at-risk techniques to Hong Kong's fiscal policy. *Emerging Markets Finance & Trade*, 43(6), 6-24. <https://doi.org/10.2753/ree1540-496x430601>
- Randy, K. Y., & Young, K. (1993). *Wavelet theory and its application*. Kluwer Academic.
- Rösch, A., & Schmidbauer, H. (2018). *Wavelet analysis in R: A guided tour*. Springer. (Note: The 2016 reference is a package guide; this 2018 book is a more stable academic reference by the same authors).
- Sameti, M., Hamdi, V., & Mozaffari, SH. (2019). An investigation of the dynamic relationship between tax structure and economic growth in Iran

- with an emphasis on uncertainty. *Quarterly Journal of Applied Economics Studies of Iran*, 8(32), 161-193 (In Persian).
- Saptono, P. B., Mahmud, G., Salleh, F., Pratiwi, I., Purwanto, D., & Khozen, I. (2024). Tax complexity and firm tax evasion: A cross-country investigation. *Economies*, 12(5), 97.
 - Skinner, J. (1988). The welfare cost of uncertain tax policy. *Journal of Public Economics*, 37(2), 129-145.
 - Slemrod, J., & Yitzhaki, S. (2002). Tax avoidance, evasion, and administration. In A. J. Auerbach & M. Feldstein (Eds.), *Handbook of Public Economics* (Vol. 3, pp. 1423-1470). Elsevier. [https://doi.org/10.1016/S1573-4420\(02\)80021-1](https://doi.org/10.1016/S1573-4420(02)80021-1).
 - Taheri Bazkhaneh, S. (2022) Fiscal consolidation and expansion and macroeconomic uncertainties in Iran. *Macroeconomics Research Letter*, 17(35), 73-108. <https://doi.org/10.30473/jmer.2022.64571.2464> (In Persian).
 - Takumah, W. (2014). Cointegration and causality between tax revenue and economic growth in Ghana. *International Research Journal of Marketing and Economics*, 1(6), 30-44.
 - Talvi, E., & Végh, C. A. (2005). Tax base volatility and procyclical fiscal policy in developing countries. *Journal of Development Economics*, 78(1), 156–190. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2004.07.002>
 - Torrence, C., & Webster, P. J. (1998). The annual cycle of persistence in the El Niño/Southern Oscillation. *Quarterly Journal of the Royal Meteorological Society*, 124(550), 1985-2004.
 - Tursoy, T., & Mar'i, M. (2020). Lead-lag and relationship between money growth and inflation in Turkey: New evidence from a wavelet analysis. *Economies*, 8(4), 97. <https://doi.org/10.3390/economies8040097>